



دوشنبه 11 مرداد 1395-26 شوال 1437-1 آگوست 2016

انتقال امام خمینی(ره) از پادگان عشرت آباد به داوودیه (1342ش)...

انتقال، امام خمین، (ره) از پادگان، عشرت آباد به دامه‌دیه (1342ش)،
با دستگیری حضرت امام خمینی(ره) و سرکوب قیام پانزده خرداد 1342، امام را در ابتدا به باشگاه افسران بردند اما ساعاتی بعد به پادگان قصر و در چهارم تیرماه 42 به پادگان عشرت‌آباد منتقل نمودند. پس از مدتی و برقراری آرامش ظاهری، برای آنکه بهانه در زندان ماندن امام از مردم گرفته شود و خشم‌ها فروکش کند و نیز امکان حضور دائمی امام در جامعه سلب گردد، رژیم پهلوی تصمیم گرفت با انتقال امام از زندان، ضمن در حصر گذاشتن ایشان در محلی تحت اختیار ساواک، آن حضرت را دور از دسترس مردم قرار دهد. بر این اساس، رییس ساواک به دیدار آن حضرت رفت و ضمن اعلام خبر آزادی ایشان، از امام خواست تا در سیاست دخالت نکنند. پاسخ امام کوتاه و گویا بود. ایشان فرمودند: "ما در سیاستی که شما [به عنوان نیرنگ و دروغ و تزویر] معنا می‌کنید، از اول دخالت نداشته‌ایم." در هر حال، در یازدهم مرداد 1342، حضرت امام پس از حدود 57 روز زندان، به منزلی در داوودیه تهران منتقل شدند. اگرچه قصد رژیم از انجام این عمل، کنترل بیشتر بر روی امام در نقطه‌ای خارج از زندان بود، اما مردم بلافاصله پس از اطلاع، بدون ترس و واژه از تعقیب و دستگیری مأموران ساواک، سیل آسا روانه منزل امام شدند. یک روز پس از انتقال امام به داوودیه، روزنامه‌های کشور خبری را به دستور ساواک منتشر کردند تا در نظر مردم چنین وانمود کنند که انتقال امام از زندان به محل جدید، به دلیل تفاهمی بوده که میان ایشان و مقامات انتظامی به وجود آمده است. اما این توطئه به زودی با انتشار اعلامیه‌هایی توسط مراجع و علما افشا گردید و بطلان آن آشکار شد. حضرت امام خمینی(ره) تا فروردین سال بعد به مدت هشت ماه در این منزل سکونت داشتند و در 18 فروردین 1343 آزاد شدند. حوادث بعدی سرانجام به نحوی به وقوع پیوست که زمینه‌های اعتراض شدید آن حضرت به کاپیتولاسیون را در آبان 1343 به وجود آورد و در نهایت، رژیم برای اینکه امام به کلی از کشور به دور باشد، ایشان را در 13 آبان 1343 به ترکیه تبعید کرد.

شهادت آیت الله "شیخ فضل الله نوری" به دست ایادی وابسته به استعمار در تهران (1288 ش) حاج شیخ فضل الله کجوری معروف به نوری فرزند ملاعباس در سوم دی ماه 1223 شمسی برابر با دوم ذیحجه 1259 قمری متولد گردید. پس از تحصیلات مقدماتی، به عراق رفت و از محضر درس میرزای بزرگ شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی استفاده کرد. شیخ فضل‌الله در طی سالیان متمادی حضور در درس استادان زمان، به مجتهدی برجسته و فقیهی نامدار تبدیل شد و پس از چندی در سال 1264 ق با اشاره میرزای شیرازی برای هدایت و پیشوایی جامعه ایران، راهی تهران گردید. وی در تهران به اقامه جماعت و تالیف و تدریس علوم اسلامی و حوزوی پرداخت و بر اثر مهارت در فقه و اصول و سایر علوم اسلامی به زودی مورد استقبال طلاب و روحانیون قرار گرفت. در این میان فضایی برجسته‌ای تربیت یافتند که حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، حاج آقا حسین قمی، میرزا ابوالقاسم کبیر قمی، علامه محمد قزوینی و... از آن جمله‌اند. او در کنار فعالیت‌های علمی، به فعالیت‌های سیاسی هم می‌پرداخت و به شدت با تز جدایی دین از سیاست مخالفت ورزید. شیخ در اوایل مشروطیت از پیشگامان و مجاهدان این نهضت بود و دوشادوش سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی به مبارزه پرداخت. شیخ فضل‌الله نوری در جریان تدوین قانون اساسی پیشنهادهایی به مجلس داد. ذکر مذهب جعفری به عنوان مذهب رسمی کشور و اصل نظارت فقها بر قوانین مجلس شورای ملی از جمله این پیشنهادهای بود که مورد مخالفت نمایندگان قرار گرفت ولی از هوشیاری و شجاعت سیاسی او حکایت داشت. ولیکن پس از چندی پی برد که دست‌های پلید و پنهانی به قصد پایمال کردن خون‌های ریخته شده در راه این نهضت پیدا شدند و مشروطه را نه به معنای حکومتی که مشروط به رعایت حدود و قوانین الهی باشد، بلکه به معنای رژیمی که مردم در مقابل آن مشروط به سکوت باشند و قوانین غربی در آن به اجرا درآید می‌خواهند. لذا مخالفت خویش را از مشروطه غیرمشروعه اعلام کرد و به تمام بلاد و ولایات تلگراف زد و مشروطه را حرام دانست. سرانجام جناح مقابل در یک دادگاه به ظاهر ملی او را محکوم به اعدام کردند. ایشان در برابر دعوت سفارت روس برای پناهندگی هرگز زیر بار این ذلت نرفت و شهادت در راه خدا را پذیرا شد. سرانجام شیخ فضل الله نوری را که خود از بنیانگذاران نهضت مشروطه در ایران بود، در 11 مرداد 1288 شمسی برابر با سیزدهم رجب 1327 ق، مصادف با سالروز ولادت امام علی(ع) به چوبه دار کشیده و در میدان توپخانه تهران به شهادت رساندند. پیکر شیخ در ابتدا پس از اهانت‌های فراوانی که به آن روا داشتند، توسط خانواده و دوستان در محل امنی در تهران مدفون شد، اما پس از گذشت 18 ماه، جنازه شیخ را به طور مخفیانه و در حالی که هنوز سالم و تازه بود به قم منتقل کردند و در یکی از حجره‌های شمالی صحن حرم مطهر حضرت معصومه(س) به خاک سپردند.

رحلت عالم مجاهد و اندیشمند فرزانه آیت الله "سید عبدالرضا حسینی شهرستانی" (1376 ش) آیت‌الله حاج سیدعبدالرضا حسینی شهرستانی در سال 1299 ش (1339 ق) در شهر مقدس کربلا به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی و سطوح حوزه، درس خارج خود را در محضر آیات عظام: سید محمد هادی میلانی، میرزا مهدی شیرازی، سیدعبدالحسین حجت و شیخ مرتضی آشتیانی سپری کرد و مدارج ترقی علمی را پیمود. آیت‌الله شهرستانی علاوه بر تحصیل و تدریس، به اقامه جماعت در صحن حسینی(ع) و پاسخگویی به مسائل دینی می‌پرداخت و راهنمایی و ارشاد مردم را سرلوحه فعالیت‌های خویش قرار می‌داد. وی در برابر نفوذ و تبلیغات فکری

و سیاسی و ایجاد شبهات دینی از سوی حزب کمونیست و چپ‌گرایان عراق، ایستادگی می‌کرد و به منظور استحکام بنیان‌های فکری جوانان، با همکاری جمعی از اندیشمندان شیعه مجله پاسخ به مسائل دینی را منتشر نمود. او در آن مجله با کمک دیگر اندیشمندان، به صدها پرسش فکری و اعتقادی جامعه پاسخ می‌داد و حوزه خوانندگان خود را به فراسوی مرزهای عراق گسترانید. دامنه نفوذ این مجله، رژیم بعث را به واکنش واداشت. از این رو پس از آزار فراوان و حبس فرزندش، او را از عراق بیرون کردند. از آن‌پس در سال 1350 ش به مشهد هجرت کرد و به امور دینی و مذهبی پرداخت. ایشان مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه متعددی را تأسیس کرد و کتب گوناگونی را به رشته تحریر درآورد که المهدی الموعود، حاشیه بر قوانین، حاشیه بر معالم، نوروز در اسلام و... از آن جمله است. سرانجام آن عالم بزرگوار و خادم دین در 11 مرداد 1376 ش برابر با 27 ربیع الاول 1418 ق 77 سالگی در مشهد رحلت کرد و در صحن آزادی حرم امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

• ایران در کوبا کنسولگری، دایر کرد و بدانجا سرکنسول فرستاد(1349ش)

• قرارداد فروش گاز به شوروی، امضاء و مبادله شد(1349ش). • یازده میلیون متر اراضی طرشت در غرب تهران برای ایجاد شهرک صد هزار نفری، جزو محدوده تهران شد(1352ش). • ساختمان موزه‌ای در آستان قدس شروع گردید. (1315ش). • محمدعلی کشاورز صدر به معاونت نخست وزیر و رئیس تبلیغات انتخاب شد. (1328ش)

وفات "ابوالحسن عامری" فیلسوف ایرانی(381ق) ابوالحسن عامری از جمله فیلسوفانی است که در فاصله‌ی زمانی میان دو فیلسوف بزرگ ایران یعنی فارابی و ابن سینا می‌زیست و در واقع، حلقه‌ی اتصال بین فلاسفه‌ی متقدم اسلامی شمرده می‌شود. ابوعلی مسکویه که از شاگردان برجسته‌ی عامری و معاصر ابن سینا می‌باشد، بسیاری از سخنان عامری را که حاوی نکات اخلاقی است در کتاب معروف خود به نام تجاربُ الأُمَم آورده است. عامری علاوه بر این که در فلسفه صاحب نظر و شارح فلسفه‌ی ارسطو بود، در زمینه‌ی اخلاق و دین نیز تحقیق و بررسی بسیاری انجام داد و آثار ارزشمندی در این زمینه برجای گذاشت. وی فلسفه را مولود عقل و استدلال می‌دانست و معتقد بود که عقل هرگز از فرمان خداوند سرپیچی نمی‌کند. الابصار و المُبَصِّر از جمله تالیفات اوست.

درگذشت زاهد عارف "سید احمد کربلایی" (1332ق) سیداحمد کربلایی از چهره‌های معروف اخلاق، در اصل اصفهانی بوده، ولی در کربلا رشد کرده است. وی از محضر اساتیدی چون آخوند ملاکاظم خراسانی و ملاحسینقلی همدانی بهره گرفته و پس از کسب مدارج عالی علمی، حلقه‌ی درس خود را تشکیل داد. جمع کثیری از بزرگان و وارستگان، به یمن تربیت آن بزرگوار قدم در دایره‌ی کمال گذاشته، پشت پای به بساط طبیعت و دنیای مادی زده و از متوجهان به حق و محرمان حریم قرب شدند. مجاهد شهید شیخ محمدتقی بافقی، سیدمحمدکاظم عصار، سیدمحسن امین عاملی و میرزا علی آقا قاضی طباطبایی تبریزی در مکتب درس ایشان پرورش یافتند.

وفات آیت الله تبریزی؛ از مراجع تقلید شیع (1427ق) آیت الله میرزا جواد تبریزی در سال ۱۳۰۵ش در شهر تبریز در میان خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. تحصیلات علوم جدید را تا پایان سال دوم دبیرستان در همان شهر به پایان رساند تا این‌که عشق و علاقه فراوان به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و روحانیت شیعه، او را به سوی تحصیل در حوزه کشاند. این‌گونه بود که پس از گذراندن تحصیلات جدید، با شوق فراوان، در سن هجده سالگی تحصیل علوم دینی را آغاز کرد و طی چهار سال، مقدمات و مقداری از دروس سطح را در شهر تبریز به پایان رساند. آیت‌الله تبریزی برای ادامه تحصیل، شهر و دیار خویش را در سال ۱۳۲۷ش به قصد ورود به حوزه علمیه قم ترک گفت. وی در قم دوره سطح را به پایان برد و در اوج شکوفایی علمی و فقهی، وارد درس خارج استادان گرانمایه‌ای چون مرحوم آیت‌الله العظمی سیدمحمدحجت و مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شد. در طول این مدت، شاگردی نزد آیت‌الله زنوزی تبریزی و آیت‌الله العظمی بروجردی، از او در فقه و اصول، چنان طلبه ممتازی ساخته بود که مرحوم بروجردی، او را به‌عنوان مسئول امتحان‌گیری از طلاب حوزه انتخاب کرده بود. علاقه فراوان به ادامه تحصیل آن هم در کنار مرقد پاک امیرمؤمنان علی علیه‌السلام، آیت‌الله تبریزی را بر آن داشت تا به نجف اشرف برود. ماجرای این سفر مقدس شنیدنی است: آن مرحوم روزی در محضر علما و بعضی از مراجع وقت آن زمان در قم نشسته بود که بحثی علمی پیش می‌آید و تنها ایشان به‌خوبی از عهده پاسخ برمی‌آید. همین امر موجب شگفتی حاضران می‌شود. اتفاقاً در آن جمع، شخص تاجری که فردی دین‌دار و علاقه‌مند به روحانیت بوده، حضور داشته است. پس از جلسه، از آیت‌الله تبریزی می‌خواهد که قدری صبر کند و سپس از ایشان می‌خواهد اگر خواسته‌ای دارد، بفرماید. آن مرحوم نیز می‌گوید: «من خیلی علاقه دارم برای ادامه درس و بحث به نجف بروم، ولی به‌دلیل نبود امکانات نمی‌توانم.» آن شخص تاجر، مخارج سفر را فراهم می‌کند و آیت‌الله تبریزی پس از پنج سال حضور در حوزه قم، در سال ۱۳۳۲ش به نجف اشرف می‌رود. آیت الله میرزا جواد تبریزی را باید از شاگردان برجسته مرحوم آیت‌الله خویی دانست؛ چه آن‌که همواره مورد عنایت خاص وی و طرف مشورت آن مرد بزرگ بود. آیت‌الله خویی، آینده این شاگرد ممتاز را بسیار درخشان توصیف می‌کرد و می‌گفت: «میرزا جواد، فاضل و مجتهد مطلق است.» آیت الله تبریزی پس از گذشت ۲۳ سال حضور در حوزه مقدس نجف اشرف و تحقیق و تدریس و تبلیغ معارف اهل بیت علیهم‌السلام، سرانجام در سال ۱۳۵۵ش هنگام بازگشت از مرقد سیدالشهداء علیه‌السلام از سوی رژیم بعث عراق، دستگیر و به ایران فرستاده شد. معظم‌له پس از ورود به میهن نیز دوباره در حوزه علمیه قم، فعالیت‌های علمی خود را از سر گرفت. آیت الله تبریزی در طول سال‌ها تدریس،

هزاران طلبه فاضل را به جامعه اسلامی تحویل داد و حوزه درس وی، جزو شلوغ‌ترین حوزه‌های درسی به‌شمار می‌آمد. پس از درگذشت محمدعلی اراکی، وی یکی از هفت مرجع تقلیدی بود که از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم معرفی شد. آیت‌الله میرزاجواد تبریزی در ۳۰ آبان ۱۳۸۵ش برابر با بیست و هفتم شوال‌المکرم سال ۱۴۲۷ هجری قمری در شهر قم درگذشت و در حرم فاطمه معصومه دفن شد. تألیفات آیت الله تبریزی عبارت‌اند از: "ارشاد الطالب"؛ "اسس القضاء والشهادات"؛ "طبقات الرجال"؛ "تکمله منهاج الصالحین و تعلیقه بر آن"؛ "رساله توضیح المسائل"؛ "مسائل منتخبه"؛ "مناسک حج"؛ "حاشیه عروة الوثقی"؛ "حاشیه بر وسیله مرحوم اصفهانی"؛ "حدود و قصاص"؛ "فی علم الاصول"؛ "فی علم الفقه"؛ "شرح کفایة الاصول"؛ "صراط النجاة در ۶ جلد"؛ "قصاص"؛ "التهذیب در احکام حج"؛ "الأنوار الالهية فی المسائل العقائدية"؛ "رساله احکام بانوان"؛ "رساله احکام نوجوانان و جوانان" و "استفتائات جدید"

تولد "ژان لامارک" زیست‌شناس و طبیعی‌دان معروف فرانسوی (۱۷۴۴م) ژان باتیست پیر آنتوان دومونه لامارک دانشمند زیست‌شناس و طبیعی‌دان فرانسوی در ۱ اوت ۱۷۴۴م در فرانسه به دنیا آمد. وی در نوجوانی به نظام پیوست اما پس از چند سال این کار را رها کرد. لامارک چون در باغ پادشاهی رفت و آمد داشت، به جمع‌آوری گیاهان علاقه زیادی پیدا کرد. وی همچنین سالیانی به تحصیل پرداخت و ضمن فراگیری طب، به شیمی، هواشناسی و به ویژه گیاه‌شناسی علاقه‌مند شد. لامارک پس از چندی کتاب گیاهان فرانسه را نگاشت که شهرت فراوانی برایش به ارمغان آورد و به عضویت آکادمی علوم فرانسه درآمد. لامارک همچنین در دوره انقلاب کبیر فرانسه، سرپرستی موزه تاریخ طبیعی پاریس را به عهده داشت. مهم‌ترین فعالیت علمی لامارک، تحقیقات جامع و مفصل او درباره بی‌مهره‌گان زنده و فسیل‌ها است. همچنین وی با انتشار کتاب تاریخ طبیعی بی‌مهره‌گان توانست حیواناتی را که شباهتی با هم دارند به هم نزدیک کند. در این زمان، این فکر به خاطرش آمد که ممکن است تمام حیوانات از چند اصل و مبدأ نزدیک به هم و مشترک سرچشمه گرفته‌اند. موضوع دیگری که لامارک از خود سؤال می‌کرد این بود که چرا حیوانات تغییر شکل پیدا می‌کنند و خود جواب می‌داد، علت، تاثیر محیط است. لامارک این افکار را که اساس فلسفه پیروان تغییر شکل موجودات است در سال ۱۸۰۹م در کتابی به نام فلسفه حیوان‌شناسی منتشر نمود. تاکید لامارک درباره تطور و تکامل موجودات زنده بر دو اصل تاثیر محیط و واکنش موجود زنده به این تاثیر و نیز وراثت صفات اکتسابی است. اندیشه‌های لامارک، بعدها موجب اختلاف و نزاع فراوانی بین دانشمندان علوم طبیعی گردید و طرفداران نظرات لامارک، به لامارکیسم معروف شدند. کتاب فلسفه جانورشناسی و تاریخ جانوران بی‌مهره نیز بعدها مبنای فرضیه تکامل تدریجی موجودات زنده گردید. ژان باتیست لامارک که به عنوان پایه‌گذار علم نوین طبیعی، معروف است سرانجام در ۱۸ دسامبر ۱۸۲۹م در ۸۵ سالگی درگذشت.

اعلان جنگ آلمان به روسیه در آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴م) دو روز پس از حمله اتریش به صربستان و آغاز جنگ جهانی اول در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴م، دولت روسیه اعلام داشت که از استقلال و تمامیت ارضی صربستان در مقابل اتریش حمایت خواهد کرد. از این رو، در ۳۱ ژوئیه همین سال، کشور روسیه و اتریش، هر دو اعلام بسیج عمومی کردند. روز بعد در اول اوت ۱۹۱۴م، آلمان که مترصد فرصتی برای آغاز جنگ با روسیه و توسعه قلمرو امپراتوری خود به طرف شرق بود به روسیه اعلان جنگ داد و قریب چهار میلیون سرباز را برای جنگ بسیج کرد. این جنگ چهار سال به طول انجامید و ۱۶ کشور جهان، بیش از ۶۵ میلیون نفر را بسیج کرده بودند. تلفات این جنگ بیش از ۸ میلیون کشته و میلیون‌ها زخمی برآورد گردید. در جنگ جهانی اول، سراسر اروپا و بخش‌هایی از جهان عرصه زد و خورد نظامی بود. اگر چه این جنگ نشانگر روحیه قدرت و تجاوزگری استعمارگران غربی بود و لیکن نتیجه تاسف‌بار آن بیش از همه دامنگیر ملل مسلمان گردید زیرا در جریان این جنگ خانمان‌سوز، قدرتهای استعماری و حیل‌گر غربی، بزرگترین قدرت اسلامی جهان یعنی امپراتوری عظیم ۶۰۰ ساله عثمانی را که تا آن زمان در برابر هدفهای شیطانی و تجاوزگرانه آنان به خوبی مقاومت می‌کرد با توسل به حیل‌های مختلف تجزیه کرده و جهان اسلام را دچار خلأ قدرت سیاسی نمودند.